

فصلنامه علمی تخصصی فقه و حقوق معاصر

سال هشتم، شماره ۲۰، تابستان ۱۴۰۱، ص ۲۷-۵۲

بررسی تطبیقی جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در افراد خنثی یا

دوجنسی‌ها از دیدگاه فقیهان معاصر شیعه و اهل سنت

محمد مهدی کریمی نیا^۱

فریده ال کثیر^۲

زهرا شمس^۳

عصمت الله فصیحی^۴

چکیده

تغییر جنسیت در معنای لغوی آن در زبان عربی و فارسی، عبارت است از هر گونه تغییر و تبدیل یک شی به جنس مخالف به گونه ای که وضعیت فعلی آن با وضعیت قبلی آن متفاوت باشد. واژه «شیء» عام بوده که در زبان فارسی و عربی، شامل انواع از ماهیت های مختلف مثل انسان، حیوان و حتی گیاهان می شود. یکی از موارد که تغییر جنسیت که توجه فقهای شیعه و اهل سنت را به خود جلب کرده است، جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در افراد خنثی یا دوجنسی ها می باشد. در فقه اسلامی خنثی به دو دسته خنثای مشکل یا دوجنسی کامل؛ و غیر مشکل یا دوجنسی ناقص تقسیم شده است. اکثر قریب به اتفاق فقهای معاصر شیعه و اهل سنت، بدون تفکیک بین خنثای مشکل و

۱. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم، استان قم، ایران، نویسنده مسؤول،

kariminia@quran.ac.ir

۲. سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته تفسیر و علوم قرآن، حوزه علمیه خواهران الزهراء (س)، شهر دزفول، استان خوزستان، ایران، پژوهشگر، فعال

فرهنگی و مدرس حوزه علمیه شوش دانیال، خوزستان،

xparsiv4@yahoo.com

۳. فارغ التحصیل سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته تفسیر و علوم قرآنی، از حوزه علمیه خواهران، پژوهشگر و مدرس حوزه علمیه حضرت فاطمه

معصومه (س) شهر اندیکا، استان خوزستان، ایران، Zahrashams32218@yahoo.com

۴. کارشناسی ارشد، رشته فقه و حقوق قضایی، دانشگاه بین المللی جامعه المصطفی (ص) العالمیه، طلبه، پژوهشگر و فعال فرهنگی،

esmatullahfasihezade@gmail.com

خنثای غیرمشکل، و با استناد به آیات قرآن و روایات، به جواز تغییر جنسیت در خنثی ها معتقد شده اند و تنها یک فقیه به حرمت تغییر جنسیت حتی در خنثای مشکل فتوا داده است و فقط تغییر جنسیت در حیوانات را پذیرفته است.

کلیدواژه‌ها: تغییر جنسیت، خنثی، دو جنسی، همافرودیت، خنثای مشکل، خنثای غیرمشکل، ترنس سکشوال.

مقدمه

بررسی و تحقیقات نشان می دهد، که در گذشته، مشکلات روانی و هویتی افراد خنثی و عواقب دردناک آن مورد توجه نبوده و به عنوان افراد سالم تلقی می شدند، ولی امروزه افراد خنثی یا دو جنسی ها، که هویت کامل آنها مشخص نیست، به عنوان افراد بیمار که از اختلالات روحی و روانی رنج می برند، محسوب می شوند. خنثای مشکل یا دو جنسی کامل، که مرد و زن بودن آنها مشخص نیست، علاوه بر این که از نظر جسمی و روحی در اضطرار و حالت بلا تکلیفی قرار دارند، از نظر شرعی هم با عسر و حرج شدیدی گرفتار هستند به گونه که احتیاط در امورات و احکام شرعی برای آنها با دشواری فراوان همراه است. به این جهت، برخی فقهای شیعه معتقدند که در صورت تمکن مالی و توان جسمی، تغییر جنسیت، واجب است.

در گذشته، عمل جراحی برای حل مشکلی جسمی و روحی خنثی ها ممکن نبود، و آنان مجبور بودند با وضعیت فعلی خود دسته و پنجه نرم کرده و با درد ناشی از اختلال هویت جسمی و روحی خود بسازند، ولی امروزه با پیشرفت علم پزشکی، درمان اختلالات جنسی، از طریق عمل جراحی، ممکن و بلکه در برخی موارد ضروری گشته است. در یک کلام می توان گفت: مشهور فقهای معاصر شیعه و اهل سنت به مشروعیت و جواز تغییر جنسیت معتقد شده اند.

۱. مفهوم شناسی

به منظور فهم دقیق تغییر جنسیت و بررسی جواز یا عدم آن در مورد افراد خنثی ها یا دو جنسی ها، ضروری است که مفردات و اصطلاحات موضوع، مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۱. مفهوم لغوی تغییر جنسیت

عبارت «تغییر جنسیت» از دو کلمه «تغییر» و «جنسیت» تشکیل شده است. «تغییر» در لغت عبارت است از هر گونه تبدیل و جا به جایی که در آن، وضعیت فعلی با وضعیت گذشته متفاوت باشد. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۴۰). «جنس» نیز در لغت، اعم از فارسی و عربی به معنای ماهیتی است که شامل انواع متعددی از حیوان و انسان می شود و نیز به معنای کالا و متاع (شی) آمده است. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۵۵). جنس

به معنای «نر و ماده» معنایی است که در مرحله ثانویه پدید آمده است، وگرنه معنای اصلی و اولیه جنس، «نر و ماده» نیست. «جنسیت» به معنای حالت یا ماهیت جنس است. (عمید، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۷۰۶). هرچند در کتاب های لغت «تغییر جنسیت» تعریف نشده است، ولی منظور از آن هر گونه تبدیل و تحوّل در جنس نر، ماده یا خنثی می باشد؛ به گونه ای که وضعیت کنونی، با وضعیت گذشته متفاوت باشد. (کریمی نیا، ۱۳۹۱، ص ۱).

۲-۱. مفهوم اصطلاحی تغییر جنسیت

۱-۲-۱. تغییر جنسیت در اصطلاح پزشکی

واژه «تغییر جنسیت» در اصطلاح پزشکی با معنای لغوی و آنچه میان مردم شایع است، تفاوت چندانی نداشته و منظور از آن تبدیل یا اصلاح آلت تناسلی است به گونه ای که جنس زن به مرد و یا برعکس تبدیل گردد، و نیز تبدیل خنثی یا دو جنسی (hermaferodit) به یکی از دو جنس مرد یا زن به معنای تغییر جنسیت است.

در یک کلام، می توان گفت: هر گونه تبدیل، اصلاح و یا تغییری که در جنس فرد بوجود آید، به گونه ای که وضعیت فعلی او از نظر زن یا مرد بودن با حالت سابق او دارای تفاوت باشد، «تغییر جنسیت» به حساب می آید. بنابراین، تغییر جنسیت، با «تغییر کروموزوم ها» و «تغییر ژن ها» متفاوت است؛ چه این که، در این گونه اعمال، جنسیت فرد تغییر نمی کند، بلکه تغییرات یا اصلاحاتی نسبت به ژن یا کروموزوم افراد صورت می پذیرد. البته بدیهی است که با تغییر یا اصلاح کروموزوم ها و ژن ها، دگرگونی هایی در رفتار، اخلاق و حالات فرد پدید می آید؛ ولی هیچ گاه به وضعیتی جدید به وجود آمده، اطلاق «تغییر جنسیت» نمی شود.

به عبارت دیگر، تغییر جنسیت در اصطلاح پزشکان، همراه با «عمل جراحی روی آلت تناسلی» است، که این امر هم در تغییر جنسیت خنثی ها یا دو جنسی ها صادق است و هم در تغییر جنسیت تراجنسیتی ها (transsexualism) جریان دارد؛ به گونه ای که در این افراد، تنها با «عمل جراحی در اندام تناسلی»، تغییر جنسیت حاصل می شود.

در واقعیت خارجی هم، تغییر جنسیت با تاریخچه عمل جراحی مدرن پیوند خورده و ارتباط نزدیکی با عمل های جراحی دارد. آن گاه که عمل جراحی قلب، کلیه، چشم، معده و مانند آن رایج گشت، چنین پدیده ای در «عمل جراحی روی اندام تناسلی و تغییر آلت تناسلی» هم اتفاق افتاد؛ ولی عمل جراحی در آلت تناسلی بیماران، با یک حساسیت و توجه خاصی همراه بوده است، چه این که با این کار، جنس فرد از مرد یا زن

بودن، تغییر می کرده است.

به طور خلاصه، می توان گفت که تغییر جنسیت در اصطلاح پزشکی عبارت است از: عمل جراحی در آلت تناسلی، به گونه ای که مرد به زن یا زن به مرد تبدیل گردد، و یا فرد ختنی و دوجنسی به جنس مرد یا زن تبدیل گردد. (کریمی نیا، ۱۳۹۱، ص ۲).

۲-۲-۱. تغییر جنسیت در اصطلاح فقهی

فقیهانی که در باره تغییر جنسیت سخن گفته اند، معمولاً در باره معنای فقهی آن به طور خاص سخنی بیان نداشته اند و در حقیقت منظور آنها از تغییر جنسیت همان معنای لغوی و عرفی آن بوده است. از این رو، آیت الله مشکینی در این باره چنین می گوید: «عنوان تغییر جنسیت در مفهوم لغوی آن، روشن و آشکار است و غرض از آن بیان حکم شرعی مردی است که تغییر کرده و به زن تبدیل شده است، و نیز بیان حکم شرعی زنی که به مرد تبدیل شده است» (مشکینی، بی تا، ص ۱۵۳).

تنها عده کمی از فقیهان در باره معنای فقهی تغییر جنسیت سخن گفته اند که در زیر به چند مورد آن، اشاره می شود: آیت الله محمد آصف محسنی در این باره می گوید:

«تغییر جنسیت عبارت است از تبدیل مرد به زن یا برعکس. در مورد اول، یعنی تغییر جنسیت مرد به زن، این گونه است که عضو تناسلی مرد برداشته می شود و به جای آن مهبل قرار داده می شود و نیز پستان ها بزرگ می شود. و در مورد دوم، یعنی تغییر جنسیت زن به مرد، این گونه است که پستان ها با عمل جراحی برداشته می شود و به جای آن، آلت تناسلی مردانه قرار داده می شود. البته همراه با عمل جراحی در هر کدام از موارد فوق، روان درمانی و هورمون درمانی نیز صورت می پذیرد.» (محسنی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۱۱۱).

برخی از فقیهان معاصر شیعه از تغییر جنسیت به «تبدیل جنسیت» یاد کرده اند. آیت الله سید محمد صدر در این باره می گوید:

«تبدیل جنسیت گاهی از طریق عمل جراحی طبی جدید به وجود می آید، به این که مرد به زن تبدیل شود یا این که زن به مرد تبدیل شود که ما از آن به «تبدیل جنس» یاد کردیم.» (صدر، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۱۳۳).

در جای دیگر، ایشان «تبدیل جنسیت» را این گونه تعریف می کند:

«منظور ما از تبدیل جنسیت، این است که شخص خودش را از مرد بودن به زن بودن تبدیل کند و یا

برعکس.» (صدر، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۶۴۲)

عبارت «تغییر جنسیت» در مفهوم اعم و گسترده آن شامل تبدیل ختنی به مرد، یا تبدیل ختنی به زن نیز

می شود؛ ولی تعریفی که از فقها ارائه شد، تعریف اخص و محدود بوده که شامل «تبدیل مرد به زن یا تبدیل زن به مرد» می شود. از آنجایی که در عمل جراحی پزشکان، گاه افراد دو جنسی «خنثی» به مرد یا زن تبدیل می شوند، باید تعریف فقهی به گونه ای باشد که شامل این قسم از تغییر جنسیت هم بشود. بنابراین، تعریف فقهی بیان شده توسط این تعداد از فقیهان، جامع افراد نیست و تنها شامل بخشی از تغییر جنسیت مرسوم میان پزشکان جراح است. با این توضیح می توان تغییر جنسیت را این گونه تعریف کرد:

«تغییر جنسیت عبارت است از: تبدیل یک فرد از مذکر به مؤنث، یا از مؤنث به مذکر، یا از خنثی به مذکر، یا از خنثی به مؤنث، یا از مذکر به خنثی و یا از مؤنث به خنثی». البته دو مورد اخیر یعنی: «تبدیل مذکر به خنثی یا تبدیل مؤنث به خنثی» خیلی کم اتفاق می افتد و هیچ انگیزه عقلایی برای این نوع تغییر جنسیت وجود ندارد. (کریمی نیا، ۱۳۹۱، ص ۷).

۳-۱. مفهوم خنثی در لغت و اصطلاح

۱-۳-۱. مفهوم لغوی خنثی

خنثی به لحاظ لغوی از واژه «خَنَثٌ» به معنای لین، نرمی و ملایمت اخذ شده است و جمع خنثی خُنَاثٌ و خِنَاثٌ است و به معنای کسی است که هم عضو زنانه دارد و هم عضو مردانه (معلوف، ۱۳۹۳، ص ۱۹۷). خنثی گاه به معنای: شبیه بودن و تمایل داشتن به چیزی آمده است، در کتاب القاموس الفقهی لغة و اصطلاحاً چنین آمده است: «مرد کلامش را خنثی کرد، هنگامی گفته می شود که سخن خویش را از حیث نرمی و آهسته بودن شبیه زنان سازد». (سعدی، ۱۴۰۸، ص ۱۲۴).

در کلام منسوب به رسول خدا (ص) نیز خنثی شده در مورد مردی که خود را شبیه به زن می سازد، استعمال شده است. (بروجردی، ۱۳۸۶، ص ۷۷۰).

خنثی در معنای مجازی آن در زبان فارسی، و شاید در زبان عربی، در مورد کسی یا چیزی به کار می رود که خصوصیت نوع خود را به طور آشکار یا فعال ندارد. به عبارت دیگر، با حالتی بدون علاقه به طرفین امری، یا بی تفاوت گاه گفته می شود: فلانی طوری رفتار می کند که هیچ کس متوجه تمایلاتش نمی شود. (انوری، ۱۳۸۱، ص ۲۸۳۱).

۲-۳-۱. مفهوم اصطلاحی خنثی

۱-۲-۳-۱. مفهوم خنثی در اصطلاح فقهی

به تناسب همین معنایی که در لغت برای واژه «خنثی» وجود دارد، در فقه نیز از آن استفاده شده است.

بنابراین، معنای خنثی در اصطلاح فقه، به معنای لغوی آن نزدیک است. خنثی در فقه به کسی می‌گویند که نه حقیقتاً مرد است و نه حقیقتاً زن، بلکه به هر دو تمایل دارد، و شاید اساساً به هیچ یک از دو گروه تمایل نداشته باشد. در توضیح معنای فقهی خنثی، نکات زیر بیان می‌شود: در معنای مشهور فقهی، خنثی کسی است که هم آلت مردانه و آلت زنانه، هر دو را دارد. (مشکینی، بی تا، ص ۲۳۲). صاحب کتاب معجم اصطلاحات فقهی می‌گوید: «خنثی کسی است که در جسم خویش، مذکر بودن و مؤنث بودن را دارا می‌باشد». (جرجس، ۱۹۹۶، ص ۱۵۴)

وی در توضیح بیشتر در باره خنثی می‌گوید: «در علم گیاه شناسی، خنثی عبارت است از؛ گلی که اعضای مذکر و مؤنث را در بر دارد، و در بیشتر موارد، این اصطلاح به شخص - خواه مرد یا زن - گفته می‌شود که صفات جنس مخالف را دارا است و از این رو، به او خنثای کاذب می‌شود. (و این چیزی است که خنثای کاذب نامیده می‌شود)» (جرجس، ۱۹۹۶، ص ۱۵۴).

معنای فوق، از بسیاری از فقیهان اسلامی بیان شده است. از نظر آنان، «خنثی» یا «دو جنسی» کسی است که هر دو آلت مردانه و زنانه را دارد.

علامه حلی در تعریف خنثی می‌گوید:

«خنثی کسی است که دارای دو آلت «مردانه و زنانه» است.» (حلی، ۱۴۱۱، ص ۱۷۷).

وی همچنین در کتاب تحریر الاحکام آورده است:

«خنثی کسی است که برای او آلت تناسلی مردان و زنان وجود دارد.» (حلی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۱۷۴)

امام خمینی در تحریر الوسیله می‌فرماید:

«خنثی به این معناست که برای فردی آلت تناسلی مردان و زنان وجود دارد.» (موسوی خمینی، بی تا،

ج ۲، مسأله ۱، ۳۹۹)

در «القاموس الفقہی لغة و اصطلاحاً» آمده است: «خنثی کسی است که دارای هر دو آلت مردانه و زنانه

است.» (سعدی، ابوجیب، ۱۴۰۸، ۱۲۴)

از نظر این عده از فقیهان اسلامی، اساساً کسی که هیچ کدام از آلت تناسلی مردانه و زنانه را ندارد،

داخل در تعریف «خنثی» نیست؛ بلکه به چنین فردی اصطلاحاً «ممسوح» می‌گویند. (حسینی، ۱۳۸۲، ۱۷۸).

گاه در معنای خنثی گفته می‌شود: خنثی کسی است که یا دارای هر دو آلت تناسلی مردانه است و زنانه

است، و یا اساساً فاقد آلت تناسلی مردانه و زنانه است (ممسوح). این معنی، از سوی برخی لغوی ها و عده

ای از فقیهان مورد توجه قرار گرفته است. در لغت نامه دهخدا آمده است:

«خنتی آن کسی است که هر دو اندام را دارد، و یا آن که هیچ یک از دو اندام را ندارد؛ نه مرد و نه زن».
(دهخدا، ۱۳۳۷، ج ۷، ص ۹۹۷۷).

نیز در تعریف خنتی گفته شده است:

«خنتی، کسی است که [هر دو] آلت مردانگی و زنانگی در او هست؛ یا کسی که از سوراخ ادرار می‌کند و آلت مرد و زن را ندارد». (حسینی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۸).
آیت الله سیدمحمد صدر در تعریف خنتی می‌گوید:
«همانا خنتی، انسانی است که دو آلت مردانه و زنانه را در وجود خویش جمع کرده است، یا اینکه دو آلت در او مفقود است». (صدر، ۱۴۲۰، ج ۶، ۱۳۴).

۱-۲-۲. مفهوم خنتی در اصطلاح پزشکی

در اصطلاح پزشکی، شخص خنتی به سه گروه، هرمافرودیسیم (hermaferodism) کاذب مذکر، هرمافرودیسیم کاذب مؤنث و هرمافرودیسیم حقیقی تقسیم بندی می‌شود. اعضای داخلی گروه نخست «هرمافرودیسیم کاذب مذکر» مردانه است؛ یعنی این که این اشخاص مردانی هستند که دارای جنس ژنتیک مذکر (XY) بوده و دارای بیضه هستند، اما اعضای خارجی آنها به صورت طبیعی مذکر نبوده، بلکه اعضای بیرونی آن‌ها زنانه و با درجات مختلف ابهام است. وضع هورمونی معمولاً مردانه بوده، ولی به علت کمی نسج بیضه تغییراتی در آن دیده می‌شود. ضمناً تست کروماتین این افراد نیز منفی است. اعضای داخلی گروه دوم «هرمافرودیسیم کاذب مؤنث» زنانه است؛ یعنی این که این افراد زنانه هستند که دارای جنس ژنتیک مؤنث (XX) و نیز اعضای داخلی زنانه «تخمدان» هستند، ولی دستگاه تناسلی خارجی آنها، نمای زنانه طبیعی را ندارد و اعضای خارجی مردانه یا مبهم دارند. از لحاظ هورمونی مؤنث هستند و تست کروماتین آنها مثبت است. گروه سوم «هرمافرودیسیم حقیقی» به افرادی اطلاق می‌شود که دارای هر دو گوناد بیضه و تخمدان بوده و هر دو آن‌ها ممکن است فعال باشند. طرز قرار گرفتن گونادها در مبتلایان، به صور مختلف گزارش شده است، به طوری که ممکن است تخمدان‌ها در یک طرف و بیضه‌ها در طرف دیگر باشد، اما در اغلب بیماران، مخلوطی از بافت بیضه و تخمدان به صورت (ouotestis) در یک طرف یا در هر دو طرف مشاهده شده است. در هر حال وجود بیضه و تخمدان در فرد مبتلا به هرمافرودیسیم حقیقی، جنسیت بینابینی را مطرح می‌کند. ممکن است خواص مردی یا زنی رجحان داشته باشد. (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ۱۱۷).

۲. اقسام خنثی یا دو جنسیتی

از منظر فقه اسلامی خنثی یا دو جنسی ها به دو گروه خنثای مشکل و خنثای غیرمشکل تقسیم می شود که در ذیل به تعریف هر کدام به صورت موجز اشاره می شود.

۱-۲. خنثای مشکل

خنثای مشکل کسی است که زن یا مرد بودن او از طریق امارات طبیعی یا علائم شرعی معلوم نمی شود. (مشکینی، ۱۳۷۷، ۱۵۴). در توضیح خنثای مشکل در شرح لمعه آمده است: «خنثای مشکل «کسی است که» مذکر بودن وی بر مؤنث بودنش ترجیح ندارد و نیز مؤنث بودن وی، بر مذکر بودنش ترجیحی ندارد». (عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۱۹۴).

۲-۲. خنثای غیرمشکل

خنثای غیرمشکل آن خنثایی است که از طریق علایم و امارات، و لو امارات ظنی، می توان فهمید که به زن یا مرد ملحق است. (مشکینی، ۱۳۷۷، ص ۱۵۴). که گاه از آن به خنثای واضح یاد می شود. در تعریف خنثای غیرمشکل، در کتاب القواعد الفقهیه نیز چنین گفته شده است: «خنثای غیرمشکل عبارت از شخصی است که به وسیله امارات و قرائن، که قانون گذار الهی برای تشخیص در نظر گرفته است، حکم می شود که وی از گروه مردان است، یا به واسطه همین امارات و قرائن شرعی، حکم می شود که وی زن است. پس این خنثی، خنثای مشکل نخواهد بود؛ چون اساساً به وسیله امارات و علایم، جنسیت وی قابل تشخیص خواهد بود و اشکال جنسیت برطرف خواهد شد». (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۵۴-۵۵).

۱-۲-۲. اقسام خنثی غیرمشکل

با توجه به توضیحاتی که گذشت، می شود گفت که خنثای غیرمشکل، به نوبه خود، به دو قسم تقسیم می شود.

الف) خنثای مؤنث

هر گاه در خنثای غیرمشکل، حالت زنی بر حالت مردی غالب باشد، چنین خنثایی را «خنثای مؤنث» یا

«ختنای اُنثی» نامند، حالت هایی مانند، نداشتن ریش، حمل، حیض، رقت منی، برآمده نبودن استخوان حلقوم، خروج پیشاب از آلت زنی، به عبارت دیگر ختنای مؤنث دوجنسی است که به زن ملحق شده است. (دهخدا، لغت نامه، ج ۷، ص ۹۹۷۷).

ب) ختنای مذکر

هر گاه در ختنای غیرمشکل، حالت مردی بر حالت زنی غلبه داشته باشد، چنین کسی را «ختنای مذکر» نامند. به عبارت دیگر، دو جنسی ای است که به مردان ملحق شده است. (همان).

تقسیم بندی فوق، اگر چه از سوی برخی از اصحاب لغت بیان شده است، ولی مورد تأیید فقیهان اسلامی نیز هست؛ هر چند در کلمات فقیهان اسلامی به صراحت در باره آن توضیح داده نشده است. از نظر فقیهان اسلامی، ختنای غیرمشکل، ختنایی است که با توجه به علایم و امارات بیان شده در فقه، به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث ملحق می شود.

۳. نظرات در مورد جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در ختنی ها

از جمله پرسش های که در موضوع «تغییر جنسیت» مطرح می شود، مسأله «جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت» است، که مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

۳-۱. دیدگاه اهل سنت در باره تغییر جنسیت افراد ختنی (دوجنسی ها)

اکثر فقها و حقوق دانان اهل سنت با تغییر جنسیت مخالفند و تنها تغییر جنسیت در افراد ختنی یا دوجنسی ها را مجاز می دانند، دکتر احمد محمد کنعانی در این باره می گوید:

«همانا قانونگذار الهی، تغییر جنسیت حرام کرده است؛ چون تغییر جنسیت مخالف فطرت الهی است، ولی از این تحریم، برخی حالات استثنا شده است، مانند ختنی، که در وی هر دو آلت تناسلی مردانه و زنانه، به گونه متفاوت وجود دارد، این حالت، موجب اضطراب ها و تشویق هایی در جسم و روح ختنی می گردد. پس در این گونه حالات، عمل جراحی برای تغییر جنسیت ختنی به جنس مناسب، طبق تشخیص پزشک، جایز است» (کنعانی، ۱۴۰۲، ص ۲۸۵).

با توجه به اطلاق مطلب فوق، جواز تغییر جنسیت برای هر دو گروه ختنی ها، اعم از ختنای مشکل و ختنای غیرمشکل وجود داشته و هر دو گروه، مجاز به تغییر جنسیت هستند. تغییر جنسیت در ختنای مشکل،

به معنای حذف یکی از آلت های تناسلی و الحاق وی به جنس مقابل است و تغییر جنسیت در خنثای غیرمشکل، به معنای حذف آلت تناسلی ضعیف و الحاق وی به جنسیت غالب وی است. (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۵۲).

۳-۱-۱. ادله اهل سنت بر جواز تغییر جنسیت در خنثی ها

برخی از فقهای اهل سنت برای جواز تغییر جنسیت در افراد خنثی، دلیل های بیان کرده اند که به آن اشاره می شود.

الف) بیمار تلقی شدن خنثی

خنثی ها افرادی بیمار هستند و ادله جواز معالجه و درمان اجازه می دهد که پزشک جراح به عمل جراحی خنثی ها مبادرت ورزند.

ب) تغییر جنسیت تغییر خلق الله نیست

فقهای اهل سنت در باره جواز تغییر جنسیت خنثی ها، این گونه استدلال کرده اند که عمل تغییر جنسیت، تغییر خلق الله نیست؛ چون برای این عمل، حاجت و ضرورت وجود دارد. از این رو، تغییر جنسیت در مورد خنثی ها، استثنایی بر حرمت «تغییر خلق الله» است. این که خنثی ها بر وضعیت فعلی خویش صبر نمایند و از عمل جراحی تغییر جنسیت خودداری ورزند، ضرر زیاد و مشقت فراوانی به دنبال دارد که شریعت اسلام خواهان دفع ضرر و تحصیل یسر «آسانی» است. (خالد منصور، ۱۴۲۰، ص ۲۰۷).

ج) تدلیس نبودن تغییر جنسیت

عمل جراحی برای تغییر جنسیت، تدلیس، تزویر و فریب کاری محسوب نمی شود؛ چون هدف از عمل جراحی، برای تغییر جنسیت، بازگشت به خلقت اصلی است، پس از نظر شرعی مجاز به تغییر جنسیت است. (همان).

۲-۳. نظرات فقهای معاصر شیعه در مورد تغییر جنسیت افراد خنثی (دوجنسی ها)

برخلاف اهل سنت، فقیهان شیعه به طور مبسوط، تغییر جنسیت در افراد خنثی را مورد بررسی قرار داده اند. در این میان، برخی از فقیهان شیعه، جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در خنثی را به صورت مطلق بیان داشته اند؛ یعنی بین «خنثای مشکل» و «خنثای غیرمشکل» تفصیل نداده اند، درحالی که عده ای دیگر از فقیهان بین آن دو، تفصیل داده اند، که مورد بررسی قرار می گیرد.

۱-۲-۳. دیدگاه برخی فقیهان معاصر شیعه در جواز تغییر جنسیت خنثی ها

برخی از فقیهان شیعه معتقدند که افراد خنثی، اعم از خنثای مشکل و خنثای غیرمشکل، مجاز به تغییر جنسیت هستند. البته گروهی از فقیهان در فتوای جواز تغییر جنسیت افراد خنثی، بین خنثای مشکل و غیرمشکل تفکیک نموده اند، که با توجه به اطلاق کلام ایشان، افراد خنثی، اعم از مشکل و غیرمشکل مجاز به تغییر جنسیت هستند. در این میان، برخی دیگر از فقیهان شیعه، افراد خنثی را در دو قسمت یعنی خنثای مشکل و خنثای غیرمشکل مورد بررسی قرار داده اند و این تفکیک، به معنای تفاوت حکم آنها در مورد تغییر جنسیت در خنثی ها نیست. (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ۱۵۴).

۲-۲-۳. دیدگاه برخی فقیهان معاصر شیعه در وجوب تغییر جنسیت در خنثی ها

برخی فقهای شیعه به وجوب تغییر جنسیت در مورد خنثی ها معتقد شده اند. این حکم مخصوصاً در مورد خنثای مشکل و نیز خنثای غیرمشکل که تغییر جنسیت برای او ضرورت دارد، صادق است، تا وی بتواند تکالیف شرعی خویش را انجام دهد. آیت الله میرزا جواد تبریزی در استفتای شفاهی که توسط نگارنده از ایشان در مورد خنثای مشکل شد، اظهار داشتند: «خنثای مشکل اگر امکان مالی و جسمی داشته باشد، واجب است تغییر جنسیت دهد. (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۵۹). همچنین در استفتائی از آیت الله ناصر مکارم شیرازی در مورد خنثای مشکل سؤال شده است که ایشان می گوید: «عمل جراحی در این فرض واجب است». (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۶۰).

نیز ایشان می گوید: «تغییر جنسیت اگر صوری باشد، جایز نیست و اگر واقعی باشد که این امر در افراد دوجنسی واقع می شود، به عنوان درمان و ظاهر شدن جنسیت واقعی، جایز و گاه واجب است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ص ۴۷۱-۴۷۲).

فقیه دیگر در این باره، یک ضابطه کلی بیان داشته و چنین می گوید:

«به طور کلی، دلیلی بر حرمت تغییر جنسیت نداریم و اگر حال آنها به نحوی باشد که تغییر جنسیت برای آنها ضرورت داشته باشد، بعید نیست که واجب باشد»، (منتظری، ۱۳۸۳، ص ۴۰۸).

از نظر ایشان، تغییر جنسیت در دوجنسی ها به دلیل اضطراب و اختلالات جسمی و روانی ضرورت دارد. علاوه بر این، مشکل دیگر این گروه، وجود حرج سختی و دشواری شدید (از ناحیه انجام تکالیف شرعی است. از این رو، در تبیین وجوب تغییر جنسیت افراد خنثی می گوید:

«تغییر جنسیت گاهی ضرورت پیدا می کند، مثلاً گاهی افراد دوجنسی دچار بیماری ها و اختلالات روانی و خانوادگی شدید می شوند، به طوری که پزشک متخصص تنها راه معالجه را در تغییر جنسیت می داند. علاوه بر این، برای دو جنسی های حقیقی ضرورت دیگری نیز وجود دارد و آن این که دو جنسی های حقیقی نسبت به احکام و انجام وظایف شرعی مشکلات بسیاری دارند، مثل احکام محرمیت، ازدواج، ارث، نماز، دیات و غیره و تنها راه خروج از این تنگناها تغییر دادن جنسیت آنهاست، تا اینکه این گونه افراد به مردان ملحق شوند، یا زن.» (منتظری، ۱۳۸۱، ص ۱۱۳).

۳-۲-۳. نظر برخی فقیهان شیعه در عدم جواز تغییر جنسیت در خنثی ها

از نظر نگارنده بر اساس تحقیقات صورت گرفته، تنها یکی از فقیهان شیعه با تغییر جنسیت خنثی، حتی خنثای مشکل مخالفت کرده است. ایشان معتقد است حتی تغییر جنسیت برای «کشف جنسیت» یا «اظهار جنسیت پنهان» جایز نیست و تنها تغییر جنسیت در حیوانات مجاز است.

در سؤال و جواب از ایشان چنین آمده است:

«خنثای کاذب، یعنی کسی که مثلاً از نظر وراثتی مرد است، ولی آلت خارجی وی مخالف آن است و یا برعکس آن، اگر از طریق بررسی و تحقیق معلوم شود که در واقع مرد هستند، اگر چه شکل ظاهری آنان زن است، آیا در این حالت، از بین بردن علائم مردانه و الحاق وی به زن خالص جایز است؟ و همین

طور عکس آن؟

جواب: تغییر جنسیت بنا بر قول نزدیک تر به صحت، جایز نیست، و الله العالم.

تغییر جنسیت مرد به زن و زن به مرد جایز است، ولی تغییر جنسیت در حیوانات جایز است. (ح سینی شیرازی، ۱۴۲۷، ص ۱۲۰-۱۲۴).

از نظر ایشان حتی خنثای مشکل نیز مجاز به تغییر جنسیت نمی باشد. اکنون این پرسش مطرح است پس وضعیت آنان از نظر ازدواج چگونه است؟ آیا تا آخر عمر باید از ازدواج محروم باشند؟ (چه این که جنسیت آنان با ابهام فراوان همراه بوده و تعیین مرد یا زن بودن برای آنان دشوار است). به اعتقاد ایشان، خنثای مشکل می تواند یک جنسیت را برای خود انتخاب کند. اگر جنسیت مردانه را انتخاب کرد، می تواند با زن ازدواج کند و اگر خودش را زن بداند، می تواند با مردی ازدواج کند. وی می گوید:

«اظهر آن است که که خنثای مشکل که مرد بودن را یا زن بودنش مشخص نیست، جنسیت مردانه انتخاب کند، پس یا خودش را مرد بداند و با دیگران به عنوان مرد تعامل داشته باشد، یا این که جنسیت زنانه را برگزیند، پس خودش را زن بداند و با دیگران به عنوان زن تعامل داشته باشد» (همان، ۱۱۹).

البته فتوای فوق، مخالف فتوای مشهور فقیهان اسلامی اعم از قداما و معاصرین است؛ چه این که فقیهان شیعه بالاتفاق معتقدند که خنثای مشکل باید احتیاط کرده و از ازدواج با زن یا مرد خودداری ورزد. دلیل فتوای مشهور روشن است. از آن جایی که وضعیت جنسی خنثای مشکل با ابهام کامل همراه است و مرد بودن و زن بودن وی مشخص نیست، نمی تواند ازدواج کند؛ چه این که این احتمال وجود دارد که وی با هم جنس خویش ازدواج کرده و روابط جنسی وی، مصداق لواط یا همجنس بازی باشد که از دیدگاه اسلام ممنوع است. (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۶۲).

۳-۲-۴. عدم صدق عنوان تغییر جنسیت در عمل جراحی در خنثی ها از دیدگاه برخی فقیهان

شیعه

از نظر برخی فقهای معاصر شیعه، اساساً عمل جراحی، در مورد خنثی، اعم از خنثای مشکل یا خنثای غیرمشکل، تغییر جنسیت محسوب نمی شود، و حکم تغییر بر آن بار نمی شود. بنابراین، به فرض که تغییر جنسیت حرام باشد، اساساً در خنثی حرام نیست. آیت الله سید محسن خرازی می گوید:

«در مورد خنثی چه مشکل و چه غیر مشکل قطع یکی از دو آلت تناسلی او برای تقویت دیگری، تغییرجنسیت نیست؛ زیرا یکی از دو آلت تناسلی، زاید است. در خنثای غیرمشکل، به خاطر روشن بودن زایدی یکی از دو آلت، قطع آن موجب تغییرجنسیت نمی شود. در خنثای مشکل، عضو ممکن است زاید یا اصلی باشد؛ لذا قطع آن مردد بین تغییر و غیرتغییر است و این، شبهه موضوعیه تغییر است و حکم تغییر بر آن مترتب نمی شود و به فرض که تغییرجنسیت حرام باشد، در خنثی حرام نیست؛ چون صدق تغییرجنسیت، بر آن مسلم نیست. معالجه خنثی مشکل یا غیرمشکل اشکالی ندارد؛ زیرا ضرورت معالجه، کارهای ممنوع را مباح می کند؛ اگرچه مستلزم نگاه و لمس باشد. از جهت ضرر رساندن نیز حرمتی نیست؛ زیرا گفتیم که این کار، برداشتن عضو زاید است، نه ایجاد نقص. علاوه بر این که در خنثای مشکل، صدق نقص و ضرر، مسلم نیست.» (خرازی، ۱۳۷۹، ص ۲۴۳).

۳-۲-۵. جمع بندی و بیان نظریه مختار

از نظر اهل سنت، تغییرجنسیت تنها در افراد خنثی «دوجنسی ها» جایز است؛ چون در این افراد، اضطراب و تشویش فراوانی وجود دارد و برای رهایی از بلا تکلیفی جنسی، عمل جراحی به منظور تغییرجنسیت ضرورت دارد. فقیهان شیعه، برخلاف اهل سنت، در باره تغییرجنسیت افراد خنثی با تفصیل بیشتری سخن گفته اند. به دلیل فوق الذکر، یعنی وجود اضطراب و ناهماهنگی جنسی، همه فقیهان شیعه معتقدند که تغییرجنسیت در افراد خنثی جایز است. در این میان، تنها یکی از فقیهان شیعه، با نظر فوق مخالفت کرده است. از نظر وی، تغییرجنسیت مطلقاً، حتی در خنثی ها، و لو خنثای مشکل جایز نیست و با توجه به اطلاق کلام ایشان، تغییرجنسیت حتی برای کشف جنسیت نیز جایز نیست. فقیهان شیعه که به جواز تغییرجنسیت خنثی ها یا دوجنسی ها نظر داده اند، معتقدند که باید از ملازمات حرام مثل لمس حرام و نظر حرام پرهیز شود، مگر اینکه عمل جراحی، غیر قابل اجتناب باشد. برای مثال، خنثای مشکل یا دوجنسی کامل که زن بودن و یا مرد بودنش روشن نیست، علاوه بر این که از نظر جسمی و روحی در اضطراب و بلا تکلیفی شدیدی گرفتار آمده است، از نظر شرعی نیز در حرج و گرفتاری شدید است؛ به گونه ای که انجام احتیاط های شرعی برای وی، با عسر و حرج شدید همراه است. از این رو، عده ای از فقیهان معاصر شیعه معتقدند: در صورت امکان مالی و جسمی، تغییرجنسیت و عمل جراحی در دوجنسی ها یا خنثی ها برای تبدیل به مرد یا زن واجب است.

به نظر می رسد ضرورت تغییر جنسیت برای ختنی ها به دلیل علائم جنسی دوگانه، غیر قابل انکار است و در این امر فرقی بین ختنای مشکل و ختنای غیر مشکل نیست؛ البته اضطراب و تشویش در مورد ختنای مشکل، به مراتب بیشتر از ختنای غیر مشکل است، ولی ختنای غیر مشکل نیز از وضعیت جنسی خویش بشدت رنج می برد و از نظر پزشکان تنها راه درمان، انجام عمل جراحی تغییر جنسیت است و از این طریق، آلت تناسلی ضعیف حذف شده و جنسیت دیگر تقویت و کامل می شود.

۴. ادله جواز تغییر جنسیت در ختنای مشکل

ختنای مشکل به دلیل دارا بودن هر دو آلت تناسلی، جنسیت بینابین و دوگانه دارند و دقیقاً مرد بودن یا زن بودن آنان آشکار نیست. ازدواج برای این گروه حرام است. (صدر، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۶۴۳). چون شرط ازدواج این است که دو «غیر هم جنس» با یکدیگر وصلت نمایند و از آنجایی که جنسیت واقعی ختنای مشکل روشن نیست، ممکن است ازدواج با هم جنس اتفاق بیافتد که بی تردید حرام و باطل است. از این رو، ختنای مشکل باید رعایت احتیاط های شرعی را بنماید؛ یعنی هم واجباتی که برای مرد لازم است، انجام دهد و هم واجبات زن را انجام دهد. نیز ختنای مشکل، باید از امور حرامی که برای مردان و زنان وجود دارد، اجتناب نماید. (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۶۵).

بنابر این، با توجه به وضعیت فوق، یگانه پرسش که مطرح می شود این است، که آیا جایز است که ختنای مشکل، تغییر جنسیت دهد؟ در پاسخ باید گفت، تغییر جنسیت فی نفسه و بدون ملاحظه ملازمات حرام، حرام نیست و نه تنها دلیلی از کتاب و سنت بر حرمت تغییر جنسیت وجود ندارد، که بر جواز آن، دلیل نیز وجود دارد.

به عبارت دیگر، ختنای مشکل به دلیل اختلال شدید در هویت جنسی و مشقت انجام احتیاط های شرعی، مجاز به تغییر جنسیت است. با توجه به قاعده اضطراب و قاعده نفی عسر و حرج وی می تواند تغییر جنسیت دهد.

۴-۱. اسناد به قاعده اضطرار در جواز تغییر جنسیت خنثی ها

قاعده اضطرار، یکی از قواعد مشهور فقهی است که مستند آن، آیات متعدد قرآن کریم و برخی روایات اسلامی است، از باب نمونه، تنها به یک آیه و دو روایت اشاره میشود:

«إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْنَا مِنَ الدَّمِ وَ لَحْمِ الْخَنزِيرِ وَ مَا أَهْلًا بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (بقره/۱۷۳)؛

همانا خداوند مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را که (هنگام ذبح) نام غیر خدا بر آن برده شده، حرام کرده است، (ولی) آن کس که ناچار شد (به خوردن اینها) در صورتی که زیاده طلبی نکند و از حدّ احتیاج نگذراند، گناهی بر او نیست، همانا خداوند بخشنده و مهربان است».

علامه طباطبایی، در تفسیر المیزان می گوید که «غیر بَاغٍ وَ لَا عَادٍ» از نظر نحوی، حال هستند؛ یعنی درحالی که ظالم و متجاوز نباشد، به عبارت دیگر، کسی که ناچار از خوردن بعضی از این محرّمات شود و این ناچاری و اضطرار درحالی باشد که ظالم و متجاوز از حد نباشد، مانعی ندارد که از آنها بخورد؛ ولی اگر درحال ستم و تعدی، ناچار از خوردن شود، به این معنا که ستم و تعدی و تجاوز سبب اضطرار او شده باشد، خوردن محرّمات برای وی جایز نخواهد بود. (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۳، ج ۱، ذیل آیه ۱۷۳ بقره).

در روایت از امام صادق (ع) آمده است:

«لَيْسَ شَيْءٌ مِمَّا حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا وَ قَدْ أَحَلَّهُ لِمَنْ اضْطُرَّ إِلَيْهِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۶۹۰)؛

یعنی هیچ چیز نیست از آن چیز هایی که خداوند حرام کرده است مگر این که آن را برای شخص مضطر حلال کرده است».

در روایت دیگر می فرماید:

«مَنْ اضْطُرَّ إِلَى الْمَيْتَةِ وَ الدَّمِ وَ لَحْمِ الْخَنزِيرِ فَلَمْ يَأْكُلْ شَيْئاً مِنْ ذَلِكَ حَتَّى يَمُوتَ فَهُوَ كَافِرٌ، (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۵۲۰)؛

یعنی هر کس به گوشت مردار و خون و گوشت خوک مضطر شود و از آن ها تناول نکند، تا بمیرد «به حکم خدا» کفر ورزیده است».

خنثای مشکل یا دوجنسی کامل در اضطرار واقع شده است و زندگی وی مصداق آشکار اضطرار است و تغییر جنسیت برای وی یک امر ضروری و غیرقابل انکار است او با تغییر جنسیت می تواند از بلا تکلیفی حنسی خارج شده و در این صورت امکان شرعی ازدواج برای وی فراهم گشته و از رعایت احتیاط های

شرعی خلاصی پیدا می کند. وی دچار بیماری شدید جسمی است و برای بقای حیا خویش و کسب سلامتی نیازمند عمل جراحی است. بنابراین حتی اگر معتقد شویم که تغییر جنسیت حرام است، این امر برای خنثای مشکل به دلیل بیماری شدید جسمی، مجاز خواهد بود.

در تأیید مطلب فوق، برخی مراجع تقلید شیعه که تغییر جنسیت در مورد افراد سالم را حرام می دانند، در مورد خنثای مشکل معتقدند که این گروه اگر توان مالی و جسمی دارند برای آنان تغییر جنسیت واجب است.

مؤید دیگر این که فقها و حقوقدانان اهل سنت که عمدتاً با تغییر جنسیت مخالف هستند و آن را حرام می دانند، در مورد تغییر جنسیت افراد خنثی، بویژه خنثای مشکل به جواز آن معتقد شده اند.

۴-۲. استناد به قاعده عسر و حرج در جواز تغییر جنسیت خنثی ها

قاعده نفی عسر و حرج، از قواعد معروف فقهی است که در تمام باب های فقه قابل جریان است. «عسر» ضد معنای «یسر» و به معنای ضیق، تنگی و سختی است. «حرج» نیز به معنای تنگنا و سختی است، البته با این تفاوت که «عسر» از لحاظ معنا، خفیف تر از حرج است. به عبارت دیگر، حرج، تنگنا و مشکل بسیار شدید را گویند. (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۶۸). در هر حال، هر دو از لحاظ حکم، یکسان است؛ یعنی هرگاه تنگی و مشکل ناشی از یک تکلیف خارج از طاقت انسان باشد و موجب اختلال نظام زندگی فرد و جامعه گردد، چنین حکمی از انسان برداشته می شود.

استفاده از قاعده نفی عسر و حرج یا نفی اضطرار در ارائه خدمات پزشکی توسط جنس مخالف، در واقع استمداد از «عناوین ثانویه» است، که به استمداد شخص فقیه در استنباط حکم می آید. عناوین اولیه، احکامی هستند که صرف نظر از عوارض مختلفی که بر آنها عارض می گردد، مورد توجه قرار گیرند؛ مانند: حرمت خوردن گوشت مردار و حرمت نظر و لمس بدن نامحرم، اما در عناوین ثانویه، با رعایت مصلحت، البته در چار چوب قواعد دقیق و شناخته شده فقهی و در مرزهای معین حکم شرعی به صورتی متفاوت با آنچه که از عناوین اولیه استنباط می شود، جاری می گردد، مانند مجاز بودن خوردن همان گوشت مردار برای کسی که در اضطرار و خطر جانی قرار گرفته «البته تا مرز رفع خطر، نه بیشتر از آن» یا

لمس و نظر به بدن بیمار توسط پزشک و پرستار از جنس مخالف «البته در محدوده ضرورت قطعی، نه فراتر از آن». (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۶۹).

وضعیت جسمی در خنثای مشکل با دوجنسی کامل مصداق روشن از عسر و حرج و مشقت شدید است که زندگی را برای وی بسیار ناراحت کننده قرار داده است. رعایت احتیاط های شرعی نیز برای آنان دشوار است. از این رو، آنان می توانند با تغییر جنسیت خود را به جنس مطلوب تبدیل نمایند و چنان چه فرضاً تغییر جنسیت حرام باشد به دلیل قاعده نفی عسر و حرج، حکم تکلیفی حرمت، از خنثای مشکل برداشته شده و آنان می توانند با عمل جراحی، روی اندام تناسلی، به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث تبدیل شوند.

مؤید کلام فوق، سخن آیت الله سید محمد صدر است. ایشان معتقد است هرگاه کسی مانند خنثی، گرفتار حرج و مشکل فراوان شده باشد، جایز است تغییر جنسیت داده و جنسیت واحد اختیار کند تا از جهت انجام تکالیف شرعی در مشکل واقع نشود. (صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۳).

۳-۴. دیدگاه مختار در جواز تغییر جنسیت خنثای مشکل

خنثای مشکل، یا دوجنسی کامل یا هرما فرودیت حقیقی، به دلیل دارا بودن هر دو آلت تناسلی، جنسیت بینابین و دوگانه دارد و دقیقاً مرد بودن یا زن بودن آنان آشکار نیست. این عده ملزم به رعایت احتیاط های شرعی بوده، و برای مثال، ازدواج برای آنان حرام است، چه اینکه این احتمال وجود دارد که وی با هم جنس خویش وصلت کرده باشد، که در این صورت، ازدواج آنان باطل و روابط جنسی آنان نامشروع خواهد بود.

اگر چه برخی فقهای شیعه و تمام فقیهان اهل سنت به حرمت تغییر جنسیت در انسان سالم معتقدند، با این حال، در مورد خنثای مشکل یک وحدت عقیده وجود دارد و همه آنان به جواز تغییر جنسیت خنثای مشکل معتقد شده اند.

اما توجه به این نکته ضروری است که «جواز» به معنای «ضرورت و الزام به عمل جراحی تغییر جنسیت» نیست؛ تنها در صورتی که امکان مالی و توان جسمی وجود داشته باشد برای رفع بلا تکلیفی و

خروج از وضعیت مبهم جنسی، تغییر جنسیت، جایز یا واجب خواهد بود.

۵. ادله جواز تغییر جنسیت در خنثای های غیرمشکل یا دوجنسی ناقص

خنثای غیرمشکل، با توجه به قرائن و امارات شرعی، به یکی از دوجنس مذکر یا مؤنث ملحق شده و تکلیف شرعی آنان از لحاظ مرد بودن یا زن بودن روشن است و بر این اساس، می توانند ازدواج کنند و احکام شرعی دیگر را باید متناسب با جنسیت خویش انجام دهند.

البته که سخن مذکور به این معنا نیست که این گروه، فاقد مشکل جسمی هستند، بلکه مانند «خنثای مشکل» دارای ابهام و اشکال جنسی هستند و در مورد آنان، حالت برزخ جنسی به گونه ای است که گاه حالت های جنس مخالف در وجود آنان ظاهر شده و شدیداً آنان را آزار می دهد. برای رفع تحیر جنسی و خلاصی از بلا تکلیفی، عمل جراحی برای آنان ضرورت دارد تا کاملاً به یک جنس مذکر یا مؤنث سوق داده شوند. تغییر جنسیت در مورد آنان، به معنای تبدیل خنثی به مرد یا زن است. (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۷۵).

اکنون پرسش که مطرح می گردد این است که آیا تغییر جنسیت در مورد خنثای غیرمشکل چه حکمی دارد؟ به نظر می رسد عمل جراحی و تغییر جنسیت، با استناد به همان ادله که در خنثای مشکل بیان شد، جایز باشد، زیرا قواعد مثل، قاعده نفی عسر و حرج و قاعده نفی اضطرار، این مورد را هم شامل می شود و لذا دلیلی بر عدم جواز وجود ندارد.

از نظر برخی فقیهان اسلامی، تغییر جنسیت حقیقی؛ یعنی تبدیل مرد به زن و یا بر عکس، تا به حال اثبات نشده است، و بلکه یکی از مصادیق تغییر جنسیت، الحاق «خنثای غیرمشکل» به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث است. (مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۱۵۴).

آیت الله محمد مؤمن قمی نیز معتقد است عنوان «تغییر جنسیت» تنها در عمل جراحی خنثای غیرمشکل صدق می کند. وی می گوید:

«اگر تغییر جنسیت صدق کند، تنها در خنثای غیرمشکل، در صورتی که آلتی را قطع کند که جنسیت از آن پیروی می کند، صدق خواهد کرد، مانند خنثایی که حکم به مرد بودن او شده، آلت تناسلی مردانگی خود

را از بیخ برگند، تا جنبه زنانگی وی تقویت شود و به زنان بپیوندد». (محمد مؤمن قمی، کلمات سدیده فی مسائل جدید، ص ۱۰۸).

حکم جواز تغییر جنسیت یا اصلاح جنسیت در مورد خنثای غیرمشکل به صورت مطلق نیست. خنثای غیرمشکل دو قسم است: خنثای اُنثی و خنثای مذکر. در ادامه، جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در هر یک بررسی می شود.

۱-۵. جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در خنثای اُنثی

خنثای اُنثی، خنثای غیرمشکلی است که با توجه به علائم و امارات شرعی، به جنس مؤنث ملحق شده و احکام زن بر او جاری می شود. این فرد، حالت زن بودنش به حالت مرد بودن وی غلبه و ترجیح دارد و به گونه ای ضعیف و ناقص، حالت و صفات مردانه در او بروز و ظهور دارد. تغییر جنسیت یا اصلاح جنسیت در خنثای اُنثی، به معنای حذف آلت مردانه است. وی به دلیل بیماری، حالت اضطرار، عسر و حرج که گرفتار آن شده است، از نظر شرعی مجاز به عمل جراحی است؛ البته در صورتی که توان مالی و جسمی برای چنین عمل جراحی وجود داشته باشد. آیا خنثای اُنثی مجاز است که با عمل جراحی، علائم زنانگی خویش را حذف نماید و خود را به مردان ملحق سازد؟ در پاسخ باید گفت که در خنثای اُنثی، دو گونه عمل جراحی ممکن است صورت پذیرد:

حالت نخست: عمل جراحی به منظور تبدیل خنثای اُنثی به زن کامل و حذف آلت تناسلی مردانه؛
حالت دوم: عمل جراحی به منظور تبدیل خنثای اُنثی به مرد و حذف آلت تناسلی زنانه. (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۷۸).

۱-۱-۵. تبدیل خنثای اُنثی به زن کامل بعد از عمل جراحی

عمل جراحی به منظور تبدیل خنثای اُنثی به زن کامل، در واقع «اصلاح جنسیت» است و اطلاق عنوان «تغییر جنسیت» بر این فرض صحیح نیست؛ زیرا حالت زن بودن در وی غلبه و ترجیح دارد و آلت

مردانه که ضعیف است با عمل جراحی حذف می شود؛ نهایت چیزی که در این حالت اتفاق می افتد، تقویت جنسیت غالب خنثای غیرمشکل است و تبدیل موضوع (تبدیل مذکر به مؤنث یا بالعکس) نیز پدیدار نشده است و بعد از عمل هم، شخص موظف به انجام تکالیف خویش بر اساس جنسیت غالب است. از این رو، آیت الله سیدمحمد صدر می گوید: «هنگامی که خنثای غیرمشکل به غیر خنثی تبدیل می شود؛ در این حالت، خنثای غیرمشکل از نظر شرعی مرد یا زن خواهد بود، همان طور که توضیح آن در کتاب ارث بیان شده است، یا خنثای غیر مشکل به همان جنسیتی که قبلاً برای او ثابت شده بود تبدیل می شود، برای مثال، خنثای غیرمشکل، بر اساس علائم و امارات شرعی به عنوان مرد شناخته شده بود و بعد از عمل به مرد کامل تبدیل می گردد؛ یا این که خنثای غیرمشکل قبلاً به عنوان زن شناخته شده بود و بعد از عمل به زن کامل تبدیل می شود؛ در این حالت، هیچ حکمی از احکام شرعی این فرد تغییر نمی کند، یا خنثای غیرمشکل به غیر آن جنسی تبدیل می شود که قبلاً برای او از نظر شرعی ثابت شده بود؛ برای مثال، قبل از عمل جراحی، بر اساس علائم و امارات شرعی مرد شناخته شده بود، ولی بعد از عمل جراحی به زن تبدیل شده است، یا قبلاً زن شناخته شده بود و بعد از عمل جراحی به مرد تبدیل شده است؛ این نوع عمل جراحی، از نوع تغییر جنسیت مرد به زن یا زن به مرد است» (صدر، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۶۴۴).

این مورد «حالت اول» که «اصلاح جنسیت» است در واقع، نوعی معالجه و درمان است و برای رفع «تحیر جنسی» و برطرف ساختن نارسایی جنسی، عمل جراحی بر طبق نظر پزشکان متخصص بلاشکال است. این عمل جراحی، اگر به دلیل ضرورت پزشکی و یا به دلیل عسر و حرج باشد، نافی حرمت لمس و نظر حرام است. به عبارت دیگر، پزشک معالج، چنانچه مجبور به لمس و نظر به عورت بیمار باشد، مرتکب فعل حرام نشده است. (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۸۰).

۵-۱-۲. تبدیل خنثای انثی به مرد بعد از تغییر جنسیت

عمل جراحی به منظور تبدیل خنثی انثی به مرد کامل، مصداق «تغییر جنسیت» است؛ چه این که با توجه به علائم و امارات شرعی، خنثای غیرمشکل به زنان ملحق شده است و از نظر شرعی، احکام زنان بر وی جاری است، پس اگر آلت تناسلی زنانه با عمل جراحی حذف شود، «تغییر جنسیت» صدق می کند.

به نظر می رسد دلیلی بر حرام بودن این گونه عمل جراحی وجود ندارد، نهایت آن که باید از ملازمات حرام پرهیز کرد؛ البته اگر برای چنین عمل جراحی، ضرورت و اضطرار وجود داشته باشد، عمل جراحی «تغییر جنسیت» بلامانع است.

از این رو، آیت الله محمد مؤمن قمی گفته است:

«دلیلی بر حرام بودن این گونه عمل جراحی وجود ندارد؛ زیرا فردی که به این عمل می پردازد، پیش از عمل، جزء یکی از دو صنف «مرد یا زن بوده» و حکم یکی از این دو را داشته است، اما پس از انجام عمل جراحی، عنوان پیش بر او صدق نمی کند و در نتیجه دلیل های احکام این عنوان هم او را در بر نمی گیرند، بلکه عنوان مقابل «عنوان جدید» بر او صدق می کند و بناگزیر، دلیل احکام این عنوان هم، او را در بر نمی گیرد و هیچ مشکلی در باره وی تصور نمی شود. بر این اساس، دو عنوان این جا «عنوان قدیم و عنوان جدید» همانند دو عنوان: حاضر و مسافرنند، بدین معنا که هیچ بازدارنده ای وجود ندارد که فردی از دایره یکی از دو عنوان بر آید و در دایره عنوان دیگر در آید و دلیل عنوان پیشین هم او را در بر نمی گیرد، بلکه دلیل عنوان جدید او را در بر می گیرد و پس از انجام عمل جراحی، حکم عنوان جدید بر او بار می شود.

بنا بر این، هیچ دلیلی در این جا بر حرام بودن اصل عمل تغییر جنسیت، وجود ندارد، لکن این عمل، گاه مستلزم کار حرام است، از قبیل نگاه کردن به شرمگاه و لمس کردن آن در صورتی که حرام باشند. در نتیجه، برای انجام جراحی هیچ راه شرعی وجود ندارد، مگر در کودک، پیش از آن که به سن بلوغ و تشخیص برسد و یا در موردی که پزشک جراح، شوهر و یا همسر فردی باشد که روی او عمل جراحی انجام می شود؛ البته این هم، برابر دیدگاهی است که می گوید: فرد مورد عمل جراحی قرار گرفته، به صرف کردن آلت تناسلی و بخیه زدن محلی، از صنف قبلی خارج نمی شود، این دیدگاه درخور درنگ است». (قمی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۸-۱۰۹).

۲-۵. جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در ختنای مذکر

یکی دیگر از اقسام ختنای غیرمشکل، «ختنای مذکر» است، ختنای مذکر، ختنای غیرمشکلی است

که با توجه به علائم و قرائن شرعی به جنس مذکر ملحق شده و احکام مردان بر وی جاری است. این فرد، حالت مردانه اش بر حالت زنانه اش غلبه و ترجیح دارد و به گونه ضعیف، حالت و ویژگی زنانه در وی ظهور و بروز دارد. آیا تغییر جنسیت برای وی جایز است یا خیر؟ در پاسخ باید گفت؛ تغییر جنسیت درختای مذکر نیز مانند خنثای مؤنث دو فرض وجود دارد:

فرض اول: عمل جراحی به منظور تبدیل خنثای مذکر به مرد کامل و حذف آلت تناسلی زنانه؛

فرض دوم: عمل جراحی به منظور تبدیل خنثای مذکر به زن و حذف آلت تناسلی مردانه.

فرض اول، در واقع اصلاح جنسیت است و نه تغییر جنسیت؛ چه این که حالت مردانه در وی غلبه و ترجیح داشته و آلت تناسلی و علائم زنانگی که در وی به صورت ضعیف است، به وسیله عمل جراحی و درمان پزشکی حذف می شود. وی چه قبل از عمل جراحی، و چه بعد از آن، به عنوان مرد شناخته می شود، (صدر، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۶۴۴)؛

مگر اینکه قبل از عمل جراحی بر اساس قرائن و امارات شرعی به عنوان مرد، موظف به انجام تکالیف شرعی بوده است، ولی بعد از عمل جراحی، به مرد کامل تبدیل شده و حقیقتاً به عنوان مرد (و نه بر اساس قرائن و امارات شرعی) وظایف و تکالیف شرعی خویش را انجام می دهد.

در این حالت، عمل جراحی تغییر جنسیت جایز است؛ چه این که عمل جراحی به منظور معالجه و درمان و برای برطرف ساختن نارسایی جنسی و بر طبق نظر پزشکان متخصص صورت گرفته است.

بنابر این، منع شرعی وجود ندارد، این عمل جراحی که به دلیل رفع تحیر جنسی و بر طبق نظر و ضرورت پزشکی و یا به دلیل عسر و حرج صورت پذیرفته، نافی حرمت لمس حرام و نظر حرام است و پزشک جراح و پرستار چنانچه مجبور به لمس و نظر به شرمگاه بیمار باشد، مرتکب فعل حرام نشده است. (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ۱۸۵)

در فرض دوم، دلیلی بر حرام بودن آن نداریم و شخص که بر اساس ملاک ها و علائم شرعی به گروه مردان ملحق شده بود، با عمل جراحی به جنس مقابل تبدیل گشته و از این به بعد، احکام زن بر وی جاری است، ولی این عمل گاه مستلزم کار حرام از قبیل: نگاه به شرمگاه و لمس آن است، مگر در مورد کودک پیش از آن که به سن بلوغ و تشخیص برسد. (مؤمن قمی، ۱۴۱۵، ص ۱۰۹).

به طور کلی خنثای غیرمشکل، خنثایی است که با توجه به علائم و قرائن شرعی، به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث ملحق است و از نظر شرعی، تکلیف شرعی آنان از لحاظ مرد بودن یا زن بودن روشن است و بر این اساس می‌تواند با جنس مخالف ازدواج کند و تکالیف شرعی خویش را طبق جنسیت غالب خویش انجام دهد، اما سخن فوق به این معنا نیست که این گروه فاقد مشکل و عسر و حرج هستند، بلکه مانند خنثی مشکل از دوگانگی جنسی رنج می‌برند. از این رو، انجام عمل جراحی، برای تغییر جنسیت و تبدیل شدن به جنسیت کامل ضرورت دارد.

نتیجه‌گیری

از بررسی انجام گرفته این نتیجه بدست آمده است، که هر چند برخی از فقهای شیعه و اهل سنت معتقد به حرمت تغییر جنسیت در افراد سالم هستند، ولی در باره مشروعیت و جواز تغییر جنسیت در خنثی مشکل، مخالفتی بین آنها وجود ندارد و اکثریت آنها بر اساس ادله مثل قاعده اضطرار و عسر و حرج، جواز تغییر جنسیت را مشروع دانسته و حکم به جواز آن داده‌اند. در این میان، تنها یکی از فقیهان شیعه به حرمت تغییر جنسیت، حتی در افراد خنثی اعم از مشکل و غیرمشکل معتقد شده است و از نظر وی تغییر جنسیت مطلقاً حرام است. بنابر این بر اساس فتوای فقهای معاصر شیعه و اهل سنت، افراد خنثای مشکل می‌توانند بر مبنای نظریه متخصص اقدام به عمل جراحی کرده و به جنس مخالف تبدیل شوند. البته باید توجه داشت که جواز تغییر جنسیت به معنای الزام و اجبار نبوده، بلکه تنها در صورتی که امکان مالی و توانی جسمی وجود داشته باشد، تغییر جنسیت، برای رفع از بلا تکلیفی و نجات از حالت تحیر و وضعیت مبهم جنسی لازم است، اما خنثی غیرمشکل با توجه به علایم و قرائن شرعی به یکی از دو جنس ملحق می‌شود، و تکالیف شرعی این گروه از لحاظ مرد یا زن بودن روشن است. از آنجائی که این گروه مثل گروه خنثای مشکل از دو گانگی رنج برده و با عسر و حرج مواجه هستند، می‌توانند، از طریق عمل جراحی روی اندام تناسلی، تغییر جنسیت دهند.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، بیروت، چ سوم، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۲. انوری، حسن، **فرهنگ بزرگ سخن**، سخن، تهران، چ اول، ۱۳۸۱ هـ.ش.
۳. بروجردی، آقا حسین، **جامع احادیث الشیعه**، انتشارات فرهنگ سبز، تهران، چ اول، ۱۳۸۶ هـ.ش.
۴. جرجس، معجم المصطلحات الفقهیه و القانونیه، الشركه العالمیه للكتاب، بیروت، چ اول، ۱۹۹۶ م.
۵. الحسینی، السید صادق، **المسائل الطیبه**، قم، یاس الزهرا، ۱۴۲۷ ق.
۶. حسینی، سید محمد، **فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی**، سروش، تهران، چ اول، ۱۳۸۲ هـ.ش.
۷. حلی، حسن بن یوسف؛ **تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه (ط-الحدیثه)**، مصحح: ابراهیم بهادری، مؤسسه امام صادق (ع)، قم، چ اول، ۱۴۲۰ هـ.ق.
۸. خالد منصور، محمد، **الاحکام الطیبه المتعلقه بالنساء فی الفقه الاسلامی**، عمان، دارالنفایس، ۱۴۲۰ ق.
۹. خرازی، سید محسن، «تغییر جنسیت»، **مجله فقه اهل بیت**، ش ۲۳، پاییز ۱۳۷۹ ش.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، دانشگاه تهران، تهران، چ دوم، ۱۳۳۷ هـ.ش.
۱۱. سعدی ابو جیب، **القاموس الفقهی لغة و اصطلاحاً**، دار الفكر، دمشق، چ دوم، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۱۲. شیخ حرعاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، چ اول، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۱۳. صدر، شهید سید محمد؛ **منهاج الصالحین**، دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، اول، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۱۴. صدر، شهید، سید محمد، **ما وراء الفقه**، دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، اول، ۱۴۲۰ هـ.ق.
۱۵. عمید، حسن، **فرهنگ فارسی عمید**، امیر کبیر، تهران، چ اول، ۱۳۶۰.
۱۶. فاضل لنکرانی، محمد، **احکام پزشکان و بیماران**، بی نا، بی تا.
۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، **کتاب العین**، نشر هجرت، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۰ هـ.ق.
۱۸. کریمی نیا، محمد مهدی، **تغییر جنسیت از منظر فقه و حقوق**، مرکز فقهی ائمه اطهار، قم، چ اول،

۱۳۸۹ هـ.ش.

۱۹. کریمی نیا، محمد مهدی؛ تغییر جنسیت با تأکید بر دیدگاه امام خمینی، نشر عروج، قم، چ اول،

۱۳۹۱ هـ.ش.

۲۰. کنعانی، احمد محمد، الموسوعه الطبیه الفقیه، بیروت، دار النفاس، ۱۴۰۲ق.

۲۱. مشکینی، میرزا علی، مصطلحات الفقه، بی نا، بی جا، بی تا.

۲۲. معلوف، لوئیس، المنجد فی اللغه، کتاب عقیق، تهران، چ اول، ۱۳۹۳ هـ.ش.

۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، استفتاءات جدید، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی، قم مدرسه

امیرالمومنین، ۱۳۷۹، ش.

۲۴. منتظری، حسین علی، احکام پزشکی، قم، سایه، ۱۳۸۱، ش.

۲۵. منتظری، حسین علی، رساله استفتاءات، قم، سایه، ۱۳۸۳، ش.

۲۶. موسوی بجنوردی، سید میرزا حسن، القواعد الفقهیه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، چ اول، ۱۴۱۳ هـ.ق.

۲۷. موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم، چ اول، بی تا.

۲۸. مؤمن قمی، محمد، فقه و احکام پزشکی (ترجمه کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة)، مترجم:

محمد مهدی بهداروند، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چ اول، ۱۳۸۵ هـ.ش.

۲۹. مؤمن قمی، محمد، فقه و احکام پزشکی (ترجمه کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة)، مترجم:

محمد مهدی بهداروند، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چ اول، ۱۳۸۵ هـ.ش.